روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
اشنبه
۰۶ ۱۱ ۹۸
۱۲ صفحه + ۴ صفحه ورزشی
۱۶ صفحه ویژه شهرآرا محله
۰۶ بهمن ۱۳۹۸ | ۳۰ جمادی الاول ۱۴۴۱
شماره ۳۰۳۰ | ۷۰۰ تومان

ترافیک سنگین روی شانه‌های «کوهسنگی»

کمبود پارکینگ‌های عمومی و اختصاصی معضل مهم «باغ راه» قدیمی مشهد است

۰۲

وزنه سنگین مسافران خارجی در سال ۹۸

مشهد در ۹ ماه نخست امسال بیش از پارسال مقصد مسافران خارجی بوده است

«سال گذشته بیش از ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار زائر غیرایرانی به مشهد آمدند. این در حالی است که فقط در ۹ ماه اول امسال بیش از ۳میلیون و ۸۹۰ هزار زائر خارجی وارد مشهد شده‌اند.» این خبر را معاون هماهنگی و مدیریت امور زائران استانداری...

۰۳

صعود در سکوت

عبور شهرخودرو از نخستین مرحله پلی آف لیگ قهرمانان در ورزشگاه خالی و برزخ بی‌خبری و بی‌تصویری!

۰۴

رج به رج رنج

گزارشی از روزگار ناخوش کارگاه‌های کوچک قالی‌بافی و دشواری‌های معیشتی که دامن‌گیر قالی‌بافان است

۰۷

عکس: سعید گلی | شهرآرا

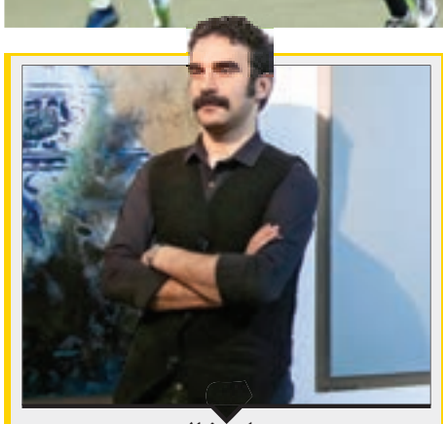

دیوار خالی در این شهر زیاد است

گفت‌وگو با محمود آزادنیا درباره نمایشگاه «بگذار باران ببارد» و انگیزه‌اش برای کمک به سیل‌زدگان

۰۴

حمایت سران قوا از پدیده

با مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی، بانک صادرات و مؤسسه ملل می‌توانند در مجمع عمومی پدیده شرکت کنند

۰۶

آینده استان در غبار

یک میلیون و ۲۵۵ هزار هکتار از اراضی استان را کانون‌های بحرانی فرسایش باد تشکیل داده است

۰۳

نمره قبولی شهرداری در مثلث اقتصادی

گزارشی از فعالیت‌های مدیریت شهری به عنوان معین اقتصادی شهرستان مشهد در سالروز انعقاد این تفاهم‌نامه

۰۶

یادداشت

مجالس دهه ۳۰

علی‌اصغر داوودی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد مشهد

دهه ۱۳۳۰ دوران پرالتهاب سیاسی تاریخ معاصر ایران است که بازتاب آن را می‌توان در تشکیل و عملکرد مجالس هفدهم، هجدهم و نوزدهم مشاهده کرد. انتخابات هفدهمین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی همچون دوره شانزدهم، خالی از جنجال نبود. مسئله نفت موضوع اصلی تبلیغات در انتخابات این دوره بود. بیشتر حوزه‌ها به علت تنش‌های سیاسی و مخالفت گروه‌های متنفذ، تا پایان عمر غیرطبیعی خود معوق ماند. از ۱۳۶ کرسی نمایندگی فقط ۷۹ کرسی دارای نماینده بود. حزب توده نیز با آنکه منحل شده بود، فعالیت‌های خود را به‌صورت زیرزمینی آغاز کرد، ولی موفق نشد کاندیدایی به مجلس بفرستد، اما در بیرون از مجلس تظاهرات دامنه‌داری ظاهرا به نفع دولت دکتر مصدق انجام داد که سبب نگرانی دولت‌های غربی شد. در این دوره تنش‌های سیاسی بین ایران و انگلستان بر سر مسئله ملی شدن صنعت نفت بالا گرفت و انگلستان علیه ایران به دادگاه لاهه شکایت کرد. با موافقت مجلس دکتر مصدق برای دفاع از منافع ملی ایران، به لاهه سفر کرد و توانست رأی دیوان را به نفع ایران بگیرد. در فاصله فروردین تا مرداد ۱۳۳۲ کشمکش‌های فراوانی میان دولت مصدق و مخالفان او در مجلس صورت گرفت. در ۲۴ تیرماه ۲۵ تن از نمایندگان فراکسیون جبهه ملی همراه ۲۵ نفر دیگر از نمایندگان حامی دولت استعفا کردند و به این ترتیب مجلس از حد نصاب افتاد. در مردادماه مصدق برای انحلال مجلس رفراندمی به راه انداخت و در نتیجه آن مجلس هفدهم منحل شد و شروع دوره هجدهم قانون‌گذاری به اصلاح قانون انتخابات موکول گردید. مجلس قبل از انحلال خود قانون اعطای اختیارات تام به نخست‌وزیر را به تصویب رسانده بود که طبق آن وی می‌توانست در غیاب مجلس به وضع قوانین آزمایشی بپردازد، مشروط به اینکه به مصلحت کشور باشد. از دیگر مصوبات مهم این دوره قانون منع تهیه، خرید، فروش و مصرف مشروبات الکلی، تریاک و مشتقات آن بود. به دنبال محاصره اقتصادی و طرح تنظیمی از طرف دولت‌های انگلیس و آمریکا مبنی بر سرنگونی دولت مصدق، در نهایت شاه که قبل از آن دستور رفراندم را نپذیرفته بود، فرمان عزل دکتر مصدق و انتصاب سرلشکر زاهدی را به سمت نخست‌وزیری صادر کرد. مصدق که خود را نخست‌وزیر قانونی می‌دانست، فرمان عزل خود را نپذیرفت. به دنبال آن تظاهرات و تنش‌هایی در تهران رخ داد که به خروج شاه از کشور منجر شد. روز ۲۸ مرداد تقابل میان طرفداران دربار و مصدق بالا گرفت و طی کودتایی سرلشکر زاهدی که قبلا از جانب شاه مأمور تشکیل کابینه شده بود، با حمایت دولت‌های آمریکا و انگلستان زمام امور را به دست گرفت. پس از آن مصدق و همکاران نزدیکش دستگیر و بعدها در آبان‌ماه در دادگاه نظامی محاکمه شدند. در پی موفقیت کودتا شاه و ملکه ۳۰ مرداد به کشور بازگشتند و شاه فرمان انحلال مجلس‌های سنا و شورای ملی را صادر کرد. مجلس هجدهم در فضای پس از کودتا در اسفند ۱۳۳۲ افتتاح شد و مهم‌ترین اولویت آن حل و فصل مسئله نفت بود که از ۲ دوره قبل به موضوع اصلی مجلس تبدیل شده بود. در نهایت این مجلس موافقت‌نامه مربوط به واگذاری استخراج، حمل و فروش نفت به کنسرسیومی بین‌المللی را به تصویب رساند که هر یک از کشورهای حامی کودتا در آن سهم درخور توجهی به دست آوردند. از جمله اقدامات این دوره الحاق ایران به پیمان دفاعی بغداد متشکل از کشورهای ترکیه، عراق، پاکستان و با حمایت آمریکا و انگلستان بود که بعدها سنتو نام‌گذاری شد. از دیگر اقدامات، تصویب برنامه عمرانی هفت‌ساله کشور و قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک بود. در مجلس نوزدهم قانون اصلاحات اراضی، قانون منع شرکت کارکنان دولت و وکلای مجلسین در معاملات دولتی، قانون رسیدگی به دارایی وزیران و کارکنان لشکری و کشوری به تصویب رسید و همچنین مقرر گردید دوره اجلاسیه مجلس از ۲ سال به ۴ سال و تعداد نمایندگان از ۱۳۶ نفر به ۲۰۰ نفر افزایش یابد. مجلس نوزدهم نخستین مجلسی بود که دوره آن ۴ سال تداوم یافت و در نهایت در خردادماه ۱۳۳۹ عمر آن به پایان رسید.

یادداشت

مهم‌تر از کتاب‌سوزی

عباس عبدی
رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

انتشار یک فیلم کوتاه از یک روحانی که در حال آتش زدن کتاب مرجع پزشکی مدرن است، بازتاب‌های گوناگون و تندی داشت. مقامات وزارت بهداشت، افراد و گروه‌ها و به‌ویژه برخی از روحانیون اعتراض کردند. بنده گمان می‌کنم که این اعتراض‌ها و جاهت چندانی ندارد و به تعبیر دیگر ناشی از طرح نادرست صورت مسئله است. در دنیای مدرن که هر انسانی یک دستگاه فیلم‌برداری دارد و به‌راحتی می‌تواند هر واقعه‌ای را که حتی در یک جمع چندنفره انجام می‌شود به کل جهان مخابره کند، چنین اقداماتی را نباید برجسته کرد و اهمیت داد، مگر اینکه گمان کنیم قدرت پشت آن است. اهمیت دادن به آن دقیقا تأمین هدف همان شخص است. اصولا چه اشکالی دارد که یک نفر به هر دلیلی که دوست دارد، یک کتاب را آتش بزند؟ مگر فقط آتش زدن بد است؟ سانسور کردن و مانع انتشار شدن که بدتر است. چون آتش‌زننده کتاب حداقل حاضر است جلو دوربین و شفاف این عمل را انجام دهد و بدنامی آن را به جان بخرد، ضمن اینکه او آزاد است و دوست دارد کتابی را که خودش خریده است، آتش بزند و هیچ خسارتی هم به دیگران وارد نمی‌شود. حق کسی را نیز ضایع نکرده و فقط نظرش را درباره پزشکی نوین به این صورت ابراز کرده است. در حالی که ممیزی کتاب بسیار بدتر از این است. ممیزی به‌صورت غیرشفاف و در ابعاد وسیع انجام می‌گردد و از همه بدتر اینکه حق نویسنده و خواننده را ضایع می‌کند. این‌ها به معنای دفاع از کتاب‌سوزی نیست. این عمل زشتی است، ولی خیلی از کارهای زشت‌تر دیگر هم هست که از همین نوع و بدتر است، ولی در برابر آن‌ها سکوت می‌شود و حتی تأیید هم می‌شوند. نمونه‌اش ضدیت با علوم اجتماعی است. چه فرقی میان علوم اجتماعی با پزشکی مدرن وجود دارد که در کتاب‌ها و سخنان رسمی این علوم به سخره گرفته می‌شود و مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و در عین حال به این کار افتخار هم می‌شود. خب این بنده خدا کاری نکرده جز آتش زدن یک جلد کتاب که به هیچ جایی برنمی‌خورد، اتفاقا نتیجه معکوس هم خواهد داشت. بعد هم دنبال کار تجاری خودش است، چه جای نگرانی دارد؟ فراموش نکنیم استدلال‌های این شخص در انجام این کار، بسیار رایج است و در موارد دیگر هم استفاده می‌شود، بنابراین نمی‌توانند او را از کاربرد چنین منطقی برای کتاب‌سوزی منع کنند. در حقیقت باید بگویم که مشکل جای دیگری است. سعی می‌کنم توضیح دهم.

اولین مشکل مراجعه مردم و به‌ویژه افراد شناخته‌شده به این شخص و افراد مشابه او برای درمان است. اگر مردم عوام و کم‌سواد چنین کنند که یا آگاهی اندکی دارند یا پول کافی برای درمان پزشکی ندارند، بر آنان حرجی نیست، ولی هنگامی که برخی افراد شناخته‌شده و حتی متمکن خود را تحت درمان!! این افراد قرار می‌دهند و بعد هم جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کنند و صدای ماجرا هم در نمی‌آید تا مبادا مشکلی پیش آید، در اینجا دیگر نمی‌توانیم این حکیم‌نما!! را مقصر بدانیم. آن معتقدان و نیز نهادهای ناظر و غیرشفاف مسئولیت بیشتری دارند.

مشکل دوم امکان پنهان شدن پشت کلمه اسلامی برای انجام هر کار است. اگر کسان دیگری بدون مجوز به درمان اقدام کنند و برای مردم دارو تجویز نمایند، مطابق قانون جرم است و با آنان باید برخورد شود. ولی چرا تا به حال با این فرد برخورد نشده است؟ اگر تاکنون درمان نکرده، که هیچ، ولی اگر دست به چنین اقدامی زده است، مطابق قانون باید با او برخورد شود. پس مشکل در برخورد نشدن با اوست که ناشی از تبعیض نظام‌مند در عمل به قانون است.

مشکل سوم، قدسی شدن روحانیت و حتی یک کاسه شدن آن‌هاست. به همین علت برخی از روحانیون از اقدام او بیشتر عصبانی شدند و سریع‌تر موضع‌گیری کردند، زیرا عمل آن را منسوب به خود دانستند. چرا اصلا باید چنین تمایز و امتیازی برای آنان قائل شد که رفتار یکی از آنان، متوجه همه آن‌ها شود؟ روحانیون هم مثل دیگران هستند و آدم‌های گوناگونی در میانشان هست. لباس به تنهایی تشخص نمی‌آورد و نباید همه را با یک پیش‌فرض در نظر گرفت.

اگر این ۳ مشکل را حل کنیم، دیگر کسی نگران آتش زدن یک جلد کتاب نخواهد شد. او جز تلف کردن هزینه خودش، کار دیگری نکرده است.

یادداشت

کنترل تورم ناشی از افزایش حقوق

رضا جبلی
کارشناس مالی و اقتصادی

در چند دهه اخیر هر سال با فرارسیدن زمان ارائه بودجه دولت به مجلس، بحث‌های زیادی راجع به افزایش حقوق به گوش می‌رسد. در واقع تأثیر حداقل دستمزد بر تورم، به شرایط رونق و رکود اقتصادی وابسته است. چهار چوب نظریه تورم نیز هم‌زمان با افزایش حداقل دستمزد با اثرات مستقیم و غیرمستقیم از طریق یک سازوکار چندمرحله‌ای باعث افزایش هزینه تولید و تورم می‌شود. شدت این اثرگذاری به اوضاع اقتصادی کشور بستگی دارد. این موضوع در زمان ثبات اقتصادی اثر ناچیزی می‌تواند داشته باشد، اما در اوضاع فعلی اقتصادی اثر زیادی بر تورم و افزایش قیمت تمام‌شده تولید دارد. میزان شکاف میان افزایش حقوق کارمندان و تورم به گونه‌ای نبوده است که بتواند قدرت خرید را برای آن‌ها جبران کند. در ۲ سال اخیر روند نرخ تورم همواره صعودی بوده است و این موضوع باعث شده تا قدرت خرید مردم به اصطلاح «اندازه سفره مردم» به شدت کاهش پیدا کند. کاهش قدرت خرید برای کسانی که ماهانه حقوق دریافت می‌کنند، بیشتر از سایر مشاغل بوده است. چرا که سایر مشاغل درآمد خود را همپای تورم افزایش داده‌اند، اما حقوق‌بگیران به‌خصوص کارگران و کارمندان به دلیل آنکه دولت میزان رشد حقوق آن‌ها را سالیانه تعیین می‌کند، نتوانسته‌اند آن گونه که باید با افزایش نرخ تورم سطح حقوق و دستمزد خود را افزایش دهند. در سال ۹۷ میزان افزایش حقوق ۱۰ درصد اعلام شد، اما نرخ تورم حداقل ۲۰ درصد و در سال ۹۸ افزایش حقوق ۲۰ درصد و نرخ تورم حداقل بیش از ۴۲ درصد اعلام شده است. با نگاهی ساده می‌توان دریافت تورم حداقل ۲ برابر افزایش حقوق اعلام شده است.

واقعیت این است که هرچه دستمزدها بیشتر شود، قیمت تمام‌شده محصولات برای تولیدکنندگان هم بیشتر می‌شود و همین موضوع در نهایت باعث ایجاد تورم و افزایش قیمت در سطح جامعه می‌شود. یکی از دلایل عمده کسری بودجه دولت پرداخت هزینه‌های بسیار بالای کارکنان است. البته باید اذعان کرد که افزایش حقوق سالیانه در کشوری که اقتصاد نابسامانی دارد، یک امر طبیعی است. چرا که در کشورهای توسعه‌یافته میزان افزایش حقوق بسیار ناچیز و حتی گاهی بیشتر از نرخ تورم است. افزایش حقوق در ایران در سال‌های اخیر باعث تعدیل نیرو از سوی صاحبان بنگاه‌های اقتصادی خصوصی شده است که می‌توان تا حدودی حق را به آن‌ها داد. چرا که باید از پس هزینه‌های جاری خود برآیند. از سوی دیگر باید پذیرفت که بیشتر تورم در ایران ریشه در سیاست‌های کلان اقتصادی و افزایش حجم نقدینگی دارد و افزایش حقوق مزید بر علت تورم می‌شود که عملی اجتناب‌ناپذیر است، هرچند این میزان افزایش حقوق در واقع تأثیر بسیار ناچیزی در سفره مردم دارد. در حوزه افزایش حقوق‌ها نباید به‌صورت یکسان عمل شود. چرا که افزایش به‌صورت یکسان برای همه سطوح باعث اختلاف بیشتری در فاصله حقوقی می‌گردد. به‌طور مثال اگر قرار بر افزایش ۱۵ درصدی حقوق است، باید از حداقل حقوق تا میانگین دریافتی ۱۵ درصد و هرچه حقوق بیشتر است، درصد کمتری را برای آن‌ها اعمال کرد که اختلاف دریافتی بیش از پیش نشود.

متأسفانه اوایل امسال شاهد نقض مصوبه مجلس برای افزایش حقوق بودیم و سقف حقوق کارکنان ارشد دولتی به ۳ میلیون تومان افزایش یافت و باز هم متأسفانه دستمزد دریافتی مدیران کشور همچنان رازی مگو باقی ماند و مسئولان در کمال آرامش به بی‌قانونی خود ادامه می‌دهند و این اطلاعات را منتشر نمی‌کنند.

موضوع دیگری که برای همه مسئله‌ساز است، شکاف حقوقی بخش دولتی و خصوصی است. هرچند در بخش دولتی هم می‌توان گفت تناسبی وجود ندارد، یعنی حقوق سازمان‌های مختلف در شرایط مساوی متفاوت است که این موضوع هم باید به‌طور جدی بررسی شود تا این تبعیض از بین برود. در پایان باید یادآور شد که بهترین راه برای کنترل تورم در بازار، نظارت بیشتر مأموران دولتی را می‌طلبد که با کنترل واقعی و دلسوزانه نگذارند سفره مردم بیش از این کوچک و کوچک‌تر شود.

خبر

واکنش رئیس جمعیت سردفتران ازدواج و طلاق استان به ماجرای سهمیه‌بندی ثبت طلاق

به سقف نمی‌رسیم!

علیرضا ظهیری | بر اساس دستورالعمل جدیدی که از روز گذشته به همه دفاتر ثبت طلاق در کشور ارسال شده است، برای هر استان به تعداد دفاتر فعال، سقف ثبت طلاق معین شده است و بر اساس همین بخش‌نامه سهمیه دفاتر ثبت طلاق در خراسان‌رضوی با سقف ۲۷۳ مورد در سال برای هر دفترخانه به ثبت رسیده است.

رئیس جمعیت سردفتران ازدواج و طلاق خراسان‌رضوی نیز در گفت‌وگو با شهرآرا با بیان اینکه در مشهد ۴۵ دفترخانه و در استان بیش از ۸۰ دفتر ثبت طلاق فعال است، اظهار کرد: اجرای این بخش‌نامه به معنای جلوگیری از اجرای حکم یا صدور حکم طلاق نیست، بلکه این بخش‌نامه با هدف این است که دفترخانه‌ها به‌صورت مساوی طلاق را ثبت کنند.

ابراهیم آخوندی در ادامه با اشاره به اینکه در مشهد و البته در استان در این‌باره مشکلی نداشتیم و حتی میزان طلاق به سقف تعیین‌شده در سال هم نمی‌رسید، گفت: این بخش‌نامه بیشتر برای تهران اجرایی شده است.

او همچنین ادامه داد: البته با توجه به ابلاغ این بخش‌نامه که از دیروز اجرایی شده است، دفاتر ثبت طلاق در استان مجاز هستند که در سال تا سقف ۲۷۳ واقعه طلاق را ثبت کنند و اگر به این سقف برسند، دیگر نمی‌توانند در سامانه ثبت، طلاقی داشته باشند.

رئیس جمعیت سردفتران ازدواج و طلاق خراسان‌رضوی تأکید کرد: البته با توجه به اینکه ثبت واقعه طلاق در شهرهای مختلف هم متفاوت است، ممکن است در آینده این سهمیه‌ها بر اساس تعداد دفترخانه‌ها و تعداد احکام صادرشده طلاق از سوی دادگاه تعدیل، و به‌صورت شهرستانی محاسبه شود.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نیز در رابطه با اجرایی شدن طرح ثبت طلاق بر اساس سقف تعیین‌شده در استان‌ها، به ایسنا گفت: این طرح بر اساس میانگین وقایع طلاق شهر مرکز استان به‌علاوه ۲۰ درصد برای دفاتر طلاق به‌صورت سالیانه اجرا می‌شود.

ذبیح‌ا... خدائیان در ادامه اظهار کرد: این طرح علاوه بر اجرای عدالت در حوزه دفاتر طلاق و دفع هرگونه مفسده، منشأ اجرای عدالت در سایر اصناف خواهد شد.